



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آخرین جلسه بحثمان است ما فکر کردیم که امروز مطالبی در مورد حبس و أخواته مطرح کنیم.

امام رضوان الله علیه بعد از پایان رساندن بحث وقف فرمودند: "القول في الحبس وأخواته"، ایشان چند مطلب را بیان فرمودند من جمله اینکه همانطور که در وقف گفتیم هر عینی که وقفش صحیح است حبس آن نیز صحیح است و همانطور که گفتیم وقف سه گونه است (وقف بر جهات عامه مثل وقف مساجد و مشاهد، وقف بر عناوین کلیه مثل وقف بر فقراء و فقهاء، وقف بر اشخاص) حبس نیز سه قسم می باشد منتهی فرق وقف و حبس در این است که در وقف تأیید و دوام وجود دارد و مال موقوفه از ملک مالک خارج می شود ولی در حبس مال در ملک شخص حابس باقی می ماند و منافعتش برای مدتی معین در راهی که حبس کرده استفاده می شود.

همان طور که وقف عقد بود و ایجاب و قبول و قبض لازم داشت در حبس نیز همینطور است منتهی بحث در این است که شرط صحت است یا شرط لزوم البته اصل در عقد لزوم است و بعد از اینکه عقدی محقق شد نمی شود آن را بهم زد بلکه تابع قرارداد و قیودی است که در عقد مندرج شده.

خب و اما روایاتی نیز درباره حبس داریم صاحب وسائل در جلد ۱۳ از وسائل ۲۰ جلدی بعد از ذکر روایات مربوط به وقف روایات مربوط به حبس را در "کتاب السکنی والحیسی" ذکر کرده و ابوابی را در این رابطه منعقد کرده که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

خبر اول: ﴿عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ مَعْمَرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: إِنَّ أَبَا الْحَسَنِ

عليه السلام اشترى داراً وأمر مولى له أن يتحول إليها الحديث<sup>۱</sup>.

خبر سنداً صحیح می باشد.

سکنی و عمری و رقبی در واقع نوعی خدمت هستند لذا وقتی روایات مربوط به اینها را می خوانیم می بینیم که اسلام و اهل بیت علیهم السلام چقدر عنایت داشته اند که مسلمانان به هم کمک کنند.

خبر دوم: ﴿وَعنه، عن أحمد، عن علي بن الحكم، عن عبد الله بن بكير، عن معلى ابن خنيس أنه قال لأبي عبد الله عليه السلام: ما حق المسلم على المسلم؟ فقال: سبع حقوق واجبات، ما منهن حق إلا وهو عليه واجب، ثم ذكرها إلى أن قال: والحق السادس أن يكون لك خادم وليس لأخيك خادم فواجب أن تبعث خادمك فتغسل ثيابه وتصنع طعامه وتمهد فراشه الحديث<sup>۲</sup>.

این بحث حقوق مسلمین نسبت به هم بسیار مهم است در بعضی از روایتمان داریم "للمسلم على المسلم ثلاثون حقاً أو سبعون حقاً" و در این خبر نیز هفت حق ذکر شده، خب این اخبار با این توجیه که از مستحبات هستند برای مردم بیان نشده اند و قطعاً اگر این روایات برای مردم می شد رفتار آنها غیر از این بود که الان شاهدش هستیم، این یکی از اشکالات بنده است که آنچه در روایات ما هست به فقه نیامده و آنچه که در فقه آمده به مردم گفته نشده، به مردم گفتن کار ماست و ما در ایام تبلیغی باید این مسائل را برای مردم بیان کنیم، مثلاً مردم نمی دانستند سیاست چه معنایی دارد درحالی که در روایات و فقه ما دقیق ذکر شده، امام رضوان الله در دفتر تبیان دارند که همانطور که بر مردم واجب است به بچه های خودشان نماز

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، شیخ حرعاملی، ج ۱۳، ص ۳۲۴، کتاب السکنی والحیسی، باب ۱،

حدیث ۱، ط الإسلامیة.

<sup>۲</sup> وسائل الشیعة، شیخ حرعاملی، ج ۱۳، ص ۳۲۴، کتاب السکنی والحیسی، باب ۱،

حدیث ۲، ط الإسلامیة.

أدعها على ما تركها صاحبها، فقال محمد بن مسلم الثقفي: أما ان علي بن أبي طالب عليه السلام قد قضى في هذا المسجد بخلاف ما قضيت، فقال: وما علمك؟ فقال: سمعت أبا جعفر محمد بن علي عليهما السلام يقول: قضى علي عليه السلام برد الحبيس وإنفاذ الموارث، فقال له ابن أبي ليلى: هذا عندك في كتابك؟ قال: نعم، قال: فأرسل واثني به، فقال له محمد بن مسلم: علي أن لا تنظر من الكتاب إلا في ذلك الحديث، قال: لك ذلك، قال: فأحضر الكتاب وأراه الحديث عن أبي جعفر عليه السلام في الكتاب فردد قضيته»<sup>۳</sup>.

خبر سنداً صحیح است.

دو خبر مشابه هم در این باب پنجم ذکر شده که دلالت دارند بر اینکه روات احادیث و اصحاب ائمه علیهم السلام نظارت می کردند و اگر می دیدند قضاات بر خلاف آنچه که از اهل بیت علیهم السلام رسیده قضاوت می کردند مداخله می کردند کلام و نظر اهل بیت علیهم السلام را با مدرک و سند ارائه می دادند و آن قضاات نیز در برابر حکم و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام تسلیم می شدند و قبول می کردند.

خب امروز جلسه آخر بحثمان بود، ماه مبارک رمضان در پیش است و برای کسانی که قدرت بیان و تبلیغ دارند لازم است که حتما بروند و معارف اسلام و قران و اهل بیت علیهم السلام را برای مردم بازگو کنند، اگر در طی سال تحصیلی بنده نتوانستم آن آداب اخلاقی را مراعات کنم از شما عذرخواهی می کنم و ملتزم دعا هستم...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

و روزه یاد بدهند باید به آنها سیاست نیز یاد بدهند که در برابر جامعه و حکومت و مسلمانان و جریان های مختلف بی تفاوت نباشد، قرن ها مردم بر اساس فطرت پاک خودشان برای سید الشهداء علیه السلام عزاداری می کردند اما به آنها گفته نمی شد که حضرت برای چه قیام کرد و همینطور در مورد فاطمه زهراء سلام الله علیها و دیگر اهل بیت علیهم السلام که جریانات زندگی و علل و عوامل شهادتشان برای مردم بیان نمی شد در حالی که ذکر این مسائل در فکر و فرهنگ و زندگی مردم بسیار تأثیرگذار می باشند، علی ای حال در ابواب اولیه کتاب سکنی و حبیس روایات مربوط به خدمت و کمک مردم نسبت به یکدیگر بیان شده است.

خب و اما باب پنجم این است که: «بطلان السکنی والحبیس بموت المالك مع عدم تعیین مدة، وانه یرجع میراثاً»، عرض کردیم که در وقف مال موقوفه از ملک واقف خارج می شود اما در سکنی و رقبی و عقبی مال در ملک مالکش باقی می ماند منتهی یک تعهدی داده و عقدی منعقد کرده تا برای مدتی در اختیار شخص یا اشخاصی باشد و این یک خدمت و کمک و احسان به دیگران می باشد و مسلمانان باید نسبت به هم همینطور باشند، حالا در این باب پنجم ذکر شده که اگر آن شخصی که مالش را به عنوان رقبی و سکنی و عمری مالش را در اختیار دیگری گذاشته بمیرد در صورت عدم تعیین مدت مالش به ورثه اش برمی گردد و اگر مدت داشته باشد تا انقضاء مدت باید در اختیار آن شخص باقی بماند.

خبر اول: ﴿محمد بن علي بن الحسين بإسناده عن محمد بن أبي عمير، عن عمر بن أذينة قال: كنت شاهدا عند ابن أبي ليلى (حاكم از طرف بنی عباس) وقضى في رجل جعل لبعض قرابته غلة (استفاده از منافع) داره ولم يوقت وقتا، فمات الرجل فحضر ورثته ابن أبي ليلى وحضر قرابته الذي جعل له غلة الدار، فقال ابن أبي ليلى: أرى أن

<sup>۳</sup> وسائل الشیعة، شیخ حرعاملی، ج ۱۳، ص ۳۲۸، کتاب السکنی والحبیس، باب ۵،

حدیث ۱، ط الإسلامیة.